

ادبیات

چارلز دیکنز در یک نگاه



دو ثلث پایانی قرن نوزدهم در انگلستان را «عصر ویکتوریا» (ملکه ویکتوریا که از سال ۱۸۳۸ تا ۱۹۰۱ بربریتانیا فرمانروایی کرد) می‌نامند. در این عصر، فلسفه تجربی و ماتریالیستی انگلیس، از بسط و سیطره تمام‌عیاری برخوردار گردید. انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنیکی، این جزیره کوچک را به سکان‌دار جهان سرمایه‌داری بدل کرد. روح سوداگری و مال‌اندوزی تنگ‌نظرانه سرمایه‌داری انگلیس، نوعی اخلاق و آداب و قیود بورژوازی پدید آورد که به «اخلاقیات دوره ویکتوریا» معروف است و رشد بی‌عدالتی‌ها و ستم اجتماعی، طیف وسیعی از گرسنگان و بیکاران پدید آورد که در قلب پایتخت بزرگترین کشور سرمایه‌داری آن روز، به فقر و فلاکت تمام می‌زیستند. همانها که جک لندن در کتاب «تیره‌بختان» خود، به وصف آنها پرداخته است. انگلستان عصر ویکتوریا، انگلستان سرمایه‌سالاری و پول‌پرستی و استعمارگری و ستم و چپاول بود. ستم و چپاولی که لیبرالهای حزب «توری» و محافظه‌کاران حزب «ویگ» آن را رهبری می‌کردند. عصر ویکتوریا، روزگار سیطره یوتیلیتیریانیسم (فلسفه اصالت فایده) جرمی بنتام و جان استورات میل بود که در قالب آراء لیبرالیسم کلاسیک انگلیسی مطرح می‌شد و روح سوداگری و سرمایه‌سالاری انگلیسی، برمیبنای آن سامان یافته بود.

آندره موروا دربارهٔ این دوران می‌نویسد:

«عهد ویکتوریا را در انگلستان - همچون عهد لوئی فیلیپ در فرانسه - باید دوران حکومت اقشار و طبقات میانی (بورژوا) جامعه دانست... (در این عهد) در نواحی

کارگرنشین شهرهای بزرگ، وضعیت اخلاقی باعث شرمندگی و در عین حال حیرت بود. در ناحیه «باث» عمر طبیعی يك انسان ثروتمند، به طور متوسط، پنجاه و پنج سال بود، در حالی که این رقم در مورد کارگران، از بیست و يك سال تجاوز نمی‌کرد. یکی از نویسندگان آن زمان به نام «یانگ» به تشریح زندگانی‌دبار این مردم پرداخته است... اوایل قرن نوزدهم، پرمشقت‌ترین سالها برای زندگی مردمان مستمند بود.»^(۱)

هربرت اسپنسر (متوفی به سال ۱۹۰۴) فیلسوف ماتریالیست و مکانیست انگلیسی، به لحاظ فکری، حاکم بلامنازع این دوران بود. او نظریه «تطور انواع» را برمیبنای متدلوژی تجربی بسط داد و نظریه‌ای مکانیکی و پوزیتیویستی در خصوص طبیعت و جامعه ارائه نمود. فلسفه علمی اسپنسر را، می‌توان از جهاتی با آراء اگوست کنت مقایسه کرد. فلسفه تجربی اسپنسر، در قرن بیستم در آراء وایتهد، برترندراسل و پیروان پوزیتیویسم انگلیسی از جهاتی تداوم یافته است.

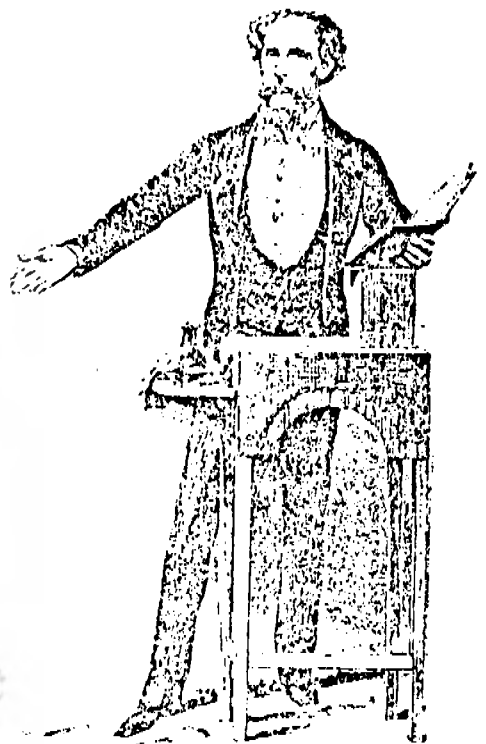
فردریک کاپلستون، دربارهٔ اسپنسر می‌نویسد:

«اسپنسر با اخذ هشیارانه اندیشه‌ای که در فضای آن عصر، موج می‌زد و داروین در يك حوزه محدود برای آن مبنای تجربی پیدا کرده بود، به اندیشه کلیدی يك برداشت همدید (Synoptic) از جهان و زندگی و سلوک بشر دست یافت... همین برداشت بود که اسپنسر را یکی از پیام‌آوران بزرگ زمانه ساخته بود. اسپنسر... یکی از شخصیت‌های بزرگ عصر ویکتوریاست... اندیشه اسپنسر، در متن عصر ویکتوریا

جای گرفته است...»^(۲)

عصر ویکتوریا، عصر افول و انحطاط رمانتیسم ادبی در انگلستان بود. انحطاطی که از اواخر دهه سی قرن نوزدهم آغاز شده بود. ویدزورت، کالریج، و شلی، چهره‌های برجسته رمانتیسم انگلیسی بودند که در ادبیات این جزیره به نام «شاعران دریاچه» معروف شده بودند. بسط سیطره پوزیتیویسم فلسفی، مورد توجه واقع شدن «اجتماعیات» و مسائل اجتماعی در آراء اندیشمندان و در افکار عمومی و گسترش بحرانهای اقتصادی و اجتماعی، سبب‌ساز پیدایی رویکرد رئالیستی در ادبیات انگلستان شدند. رویکردی که در قالب چهره‌هایی چون ویلیام تاکری، خواهران برونته و چارلز دیکنز به جلوه‌گری پرداخت. البته تأکید بر این نکته مهم است که رئالیسم داستانی در انگلستان، ریشه در قرن هفدهم و میراث دانیل دفو داشته است و اساساً رمانتیسم در عرصه ادبیات داستانی انگلیس (آن‌گونه که در آلمان یا فرانسه حضور داشته) از ظهور و نفوذی برخوردار نبوده است. در واقع از سالهای دهه چهل قرن نوزدهم، با جریان‌ساز از رئالیسم اجتماعی در ادبیات انگلیسی روبه‌رو می‌شویم که چارلز دیکنز را می‌توان، بارزترین و موفق‌ترین آنها دانست.

چارلز دیکنز، دومین فرزند آقای جان دیکنز، کارمند اداره مالی پایگاه نیروی دریایی بود، هنگام تولد چارلز، وضع مالی خانواده نسبتاً مرفه بود اما چندی بعد به وخامت گرایید و پدر چارلز، به دلیل بدهکاری به زندان افتاد.^(۳) خانواده دیکنز نیز، برای مدتی همراه پدر در زندان اقامت گزیدند و روزهای سخت و تلخی بر آنها گذشت. چارلز



خاطرات این روزها را در برخی آثار خود بازگو کرده است. چارلز، ایام نوجوانی و جوانی را در فقر و تنگدستی گذراند و با واقعیات تلخ زندگی انسانهایی که بر اثر انقلاب صنعتی و روح سوداگری و پول پرستی حاکم بر جامعه دچار فلاکت شده بودند آشنا شد. رمانهای دیکنز، در واقع توصیفی است از زندگی همین تیره‌بختان و اقشار فرودست انگلستان، در عصر ویکتوریا. سامرست موآم می‌گوید:

«نکته عجیب این است که دیکنز، با آن‌که قدرت دید فراوانی داشت و در طول زمان با اشخاصی که در طبقات عالی جامعه جا

داشتند خودمانی شده بود، هرگز موفق نشد در رمانهایش از این افراد، بازیگرانی بیافریند که خواننده وجود آنها را کاملاً باور کند. همچنین کشیش‌ها و پزشک‌های دیکنز، آن‌طور که وکلای عدلیه و منشی‌های آنها، یا آن‌طور که تهیدستان محروم از حقوق و امتیازات اساسی اجتماعی، در رمانهای او رنگ و بوی زندگی دارند، واجد این رنگ و بو نیستند.»^(۴)

اگر بخواهیم آثار و شخصیت دیکنز را با نام‌آوران دیگر رئالیسم اجتماعی همچون بالزاک یا تولستوی (در دوره پیش از تحول روحی و در روزگاری که آن‌ها کارنینا را می‌نوشت) مقایسه کنیم، می‌توانیم بگوییم که دیکنز در مقایسه با بالزاک، از توان کمتری در توصیف پیچیدگی‌های عواطف و شخصیت انسانها و کاراکترپردازی برخوردار است، اما چون او فردی هرزه و پول پرست و گرفتار سوداگری نبوده است. شخصیت دیکنز به لحاظ روانی در مقایسه با بالزاک، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است هرچند که به لحاظ عمق و امکان ژرفانگری، هرگز به پای تولستوی نمی‌رسد. قهرمانان آثار تولستوی نیز، در مقایسه با کاراکترهای داستانهای دیکنز، شخصیت‌هایی عمیق، چندوجهی و پیچیده‌تر هستند. شخصیت و آثار دیکنز، در مقایسه با ویلیام ثاکری (رمان‌نویس هموطن معاصر او) نیز، از سطحیت خاصی برخوردار است و به همین دلیل نیز، در مقایسه با ثاکری، موفقیت بیشتری در جذب خواننده یافته بود.

دیکنز، کار نویسندگی را با چاپ کتاب *اوراق پیک‌ویک* (به سال ۱۸۲۶) آغاز نمود، پس از آن به سال ۱۸۲۷، *الیور توئیست* و

سال بعد *نیکلا نیکل‌بای* را منتشر نمود. دیوید کاپرفیلد (که یکی از معروف‌ترین آثار اوست) به سال ۱۸۴۹ منتشر گردید، چارلز دیکنز در این کتاب، در قالب توصیف زندگی دیوید، به ترسیم صحنه‌های بسیاری از زندگی خود می‌پردازد، به گونه‌ای که بسیاری از منتقدین، دیوید کاپرفیلد را، زندگی‌نامه خود دیکنز می‌دانند. در آثار دوره اول حیات نویسندگی دیکنز (نیکلا نیکل‌بای، *اوراق پیک‌ویک*، *الیور توئیست* و دیوید کاپرفیلد) روال کلی داستان برای منوال است که قهرمانان خوش‌قلب و مهربان به پاداش کارهای نیک خود رسیده و موفق و سعادت‌مند می‌گردند و افراد بدجنس و نابکار، گرفتار کیفر و ناکامی می‌شوند. اما در آثار دوره دوم حیات نویسندگی دیکنز (دوریت کوچک، روزگار سخت، خانه قانون‌زده و داستان دوشهر) فضای کلی داستانها به سمت نوعی خشونت و ناامیدی و تیرگی میل می‌کند و تا حدودی از سیر کلی داستانهای دور اول متفاوت می‌شود.

چارلز دیکنز، در کتاب «روزگار سخت» تئوری‌های اقتصادی لیبرالیسم کلاسیک و «مکتب منچستر» را به باد حملات شدید می‌گیرد و در کتاب «خانه قانون‌زده» ماهیت ناعادلانه و جابرانه و ریاکارانه نظام قضایی انگلیس را عیان می‌کند. هربرت رید می‌نویسد:

«وی [دیکنز] با کلماتی آتشین علیه معاصی جامعه، بی‌عاطفگی و گستاخی داراییان، خشونت و عاری از دلسوزی بودن قانون، رفتار وحشیانه با کودکان، شرایط غیرانسانی زندانها، کارخانه‌ها و آموزشگاهها... می‌شورد... تمام قصه جدید انگلیسی‌هنر توصیف محیط، ترسیم



پاورقی‌ها:

۱. موروا، آندره/ تاریخ انگلستان / ترجمه: دکتر قاسمی / انتشارات کتاب امروز/ چاپ اول: تابستان ۱۳۶۶ / ص ۵۰۱ و ۴۹۹.
۲. کاپلستون، فردریک/ تاریخ فلسفه از بنیاد تا راسل/ جلد هشتم / ترجمه بهاءالدین خرمشاهی / انتشارات علمی و فرهنگی / چاپ اول / تهران ۱۳۷۰ / ص ۱۴۱ و ۱۴۰ / با تلخیص.
۳. هاردویک، میشل و مول / چارلز دیکنز / ترجمه: باقر سعیدی / شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران / چاپ اول: زمستان ۱۳۶۹.
۴. موام، سامرست / دربارهٔ رمان و داستان کوتاه / ترجمه: کاره دهگان / شرکت سهامی کتابهای جیبی / چاپ سوم: ۱۳۵۶ / ص ۹۵.
۵. هاووزر، آرنولد / تاریخ اجتماعی هنر / جلد چهارم / ترجمه: امین مؤید / چاپ اول: ۱۳۶۲ / ص ۱۵۷ و ۱۵۲.
۶. پرستلی، جی. بی / سیری در ادبیات غرب / ترجمه: ابراهیم یونسی / ص ۲۵۹ و ۲۵۸.
۷. دیچتر، دیوید / شیوه‌های نقد ادبی / ترجمه: دکتر بیسنی و محمدتقی صدقیانی / انتشارات غلمی / چاپ اول: پاییز ۱۳۶۶ / ص ۵۵۸ و ۵۵۷.

احساس کند و این احساسات جدید را در ادبیات تخیلی بگنجاند.

... آرزوهای بزرگ، بیان کاملی از یک جنبه از جامعه انگلیسی است. اگر این رمان را چنان که هست در نظر آوریم، بیانی است از آنچه پول می‌تواند، از خیر و شر، انجام دهد، و این که چگونه قادر است طبقات مردم را تغییر داده از یکدیگر متمایز سازد، چه طور می‌تواند فضیلت را منحرف کند، رفتارها را خوش‌آیندتر نماید و فضاهای تازه‌ای از حظ و شادی یا سوءظن پیش چشم بگشاید... (۷)

بعد از دیکنز (متوفی به سال ۱۸۷۰) رنالیسم داستانی انگلیسی با آثار ترولوپ و جرج الیوت، خصلتی درونگرایانه و ذهنی به خود می‌گیرد و از جهاتی با ساختار رنالیسم دیکنز و تاگری، متفاوت می‌گردد. به واقع آثار جرج الیوت را، باید طلیعه ظهور ادبیات مدرن انگلیسی دانست. آنچه که در پایان و به عنوان یک ارزیابی کلی دربارهٔ چارلز دیکنز می‌توان گفت، این است که او اگرچه در آثار خود به توصیف و انتقاد از نابسامانی‌های اقتصادی و ستمگری‌ها و بی‌عدالتی‌های نظام حاکم پرداخته اما به دلیل تعلق به میبانی، میبادی و غایات تفکر اومانستی، همچنان در چارچوب ساختار نظام و مناسبات و معاملات تمدن جدید گرفتار می‌ماند. بدون عبور از قلمرو تمدن اومانستی نمی‌توان از اسارت روح مصصرف‌زدگی و سوداگری و پول‌پرستی نجات یافت و این نکته‌ای بود که دیکنز هرگز دریافت. اساساً افق و قابلیت‌های فکری و معنوی دیکنز، بسیار محدودتر و حقیرتر از آن بود که امکان فهم این حقیقت را داشته باشد. □

شخصیت و مهارت در محاوره را از او گرفته است... (۵)

جی. بی پرستلی، درباره نگرش دیکنز به انگلستان عهد ویکتوریا و پایتخت فقرزده و فاسد آن می‌نویسد:

«در اواخر زندگی در منتهای صداقت و صمیمیت اعلام کرد که از این شهر متنفر است... [او] انگلستان دهه‌های پنجاه و شصت را با آن صنعت شکوفان و طبقه تازه به دوران رسیده متوسط کوتاه‌فکر... به دیده تحقیر و با احساسی آمیخته به خوف و وحشت می‌نگریست...» (۶)

دیکنز در کتاب «داستان دو شهر»، با نوعی بیزاری و نفرت از «انقلاب» یاد می‌کند و به نظر می‌رسد که علی‌رغم انتقادات بسیاری که به وضعییت اجتماعی و ستمگری‌های سرمایه‌سالاری داشت، معتقد به تغییر کلی و مبنایی مناسبات حاکم نیز نبود.

اساساً به نظر می‌رسد که افق اندیشه و شخصیت دیکنز محدودتر از آن بوده است که امکان بحث‌های جدی و عمیق را به او بدهد.

یکی از منتقدان غربی دربارهٔ دو اثر دیکنز، «دامبی و پسر» و «آرزوهای بزرگ» چنین قضاوت می‌کند:

«بر روی هم کتاب دامبی و پسر نمودار «آگاهی» عاطفی و عملی از زیستن در جهانی آکنده از دگرگونی است و مبین نگرانی از این است که مفهوم جزء به جزء تغییرات روزمره چیست و زندگانی جدیدی که بر اثر آنها می‌آید چه کیفیت تازه‌ای دارد. دامبی، بیش از دیگر رمان‌های بزرگ دیکنز نشان می‌دهد که چگونه نویسنده می‌تواند به سرعت و با اطمینان، حالت عصر خود را